

کربلا شناسی



محمد تقی صرفی پور

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

حمد و سپاس خداوند منان و صلوات بیکران بر

محمد و اهل بیت طاهرینش

شهر کربلا مرکز استانی به همین نام می باشد که

از جمله شهر های جنوبی کشور عراق محسوب

می شود. این شهر در ناحیه غربی رود فرات واقع

شده است و در فاصله 100 کیلومتری با بغداد

قرار دارد. تا سال 61 هجری قمری این شهر

بیابانی بزرگ بود. بعد از سال 61 قمری و رویداد

کربلا (شهادت امام حسین (ع))، این منطقه مورد

توجه شیعیان و مسلمانان قرار گرفت. بعد از

ساخت گنبد و آرامگاه برای شهدای دشت کربلا

توسط آل بویه، این منطقه به یکی از شهرهای

مهم زیارتی کشور عراق تبدیل شد. کربلا نامی

است که هر مسلمانی با شنیدن آن منقلب می
شود؛ جایی که حرم امام حسین (ع) را در خود
جای داده و یکی از محبوب ترین اماکن مذهبی
دنیا به شمار می رود .

کربلا قبله گاه عاشقان حسینی است.مخصوصا
رزمندگان اسلام که خیلی دلشان برای حرم
حسینی پر می زد.

در ایام دفاع مقدس وقتی شهیدی از جبهه می
آوردند مردم می گفتند: این گل پرور از کجا
آمده.از سفر کربلا آمده..

عده ای از اولیا خدا از حرم حسینی جوایز خیلی
عالی گرفتند مانند ایه الله سید علی قاضی
وبزرگان دیگر

در این کتاب پیرامون شناخت جایگاه کربلا
مطالب متنوعی آورده شده است.

نوروز 1402. کرمانشاه

کربلا شناسی

امام صادق علیه السلام فرمودند :

چهار هزار فرشته ژولیده و غبار آلود نزد قبر امام حسین

علیه السلام تا روز قیامت بر آن حضرت میگریند، که

رئیس آن ها فرشته ای است که به او منصور میگویند ،

و هیچ زائری آن بزرگوار را زیارت نمیکند جز این که آن

فرشتگان به استقبالش میآیند

و هیچ زائری با آن حضرت وداع نمیکند، جز این که آن

فرشتگان ، او را بدرقه مینمایند ،

و هیچ زائری نمی میرد، جز این که آن ملائکه بر جنازه اش نماز میخوانند و برای او بعد از مرگش آمرزش میطلبند¹.

امام سجاد فرمود :

«خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از این که زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گردانید، و هرگاه خداوند بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلا را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین باغهای بهشت قرار داده و بهترین جای سکونت قرار می دهد و در آن جا کسی غیر از انبیای مرسل یا پیامبران اولو العزم سکونت نکنند. این زمین در میان باغهای بهشت می درخشد همان گونه که ستاره

¹ کامل الزیارات

درخشنده بین ستارگان نورافشانی می‌نماید، نور این
زمین چشم‌های اهل بهشت را تار می‌کند و با صدایی بلند
می‌گوید: من زمین مقدس و طیب و پاکیزه و مبارکی
هستم که سید الشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در
خود دارم.»

زمین کعبه در مقام فخر بر مکان‌های دیگر گفت: کدام
زمین مانند من است، در حالی که خداوند خانه‌اش را بر
پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من
می‌شوند، و حرم خدا و سرزمین امن قرار داده شده‌ام؟
خداوند متعال به سویش وحی کرد و فرمود: بس کن و
آرام بگیر به عزّت و جلال خودم قسم آنچه را که تو
برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به
زمین کربلا بخشیده‌ام، همچون قطره‌ای است نسبت به
آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با
خود بردارد، و اساساً اگر خاک کربلا نبود این فضیلت
برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در

بردارد تو را نمی‌آفریدم و خانه‌ای را که تو به آن افتخار می‌کنی خلق نمی‌کردم. بنابراین، آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا، غرور و خودبزرگ‌بینی و سرکشی از خود نشان مده و اگر چنین کنی تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می‌دهم^۲

-36

ارزوی فرشته ها

قال ابو عبدالله عليه السلام: ليس من ملك في السموات والارض إلا يسألون الله تبارك و تعالى ان يؤذن لهم في زيارة الحسين عليه السلام ففوج ينزل و فوج يعرج .
امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست مگر این که می‌خواهد خداوند متعال به او رخصت دهد تا به زیارت امام حسین علیه

² کامل الزیارات ص 268

السلام مشرف شود، چنین است که همواره فوجی از فرشتگان به کربلا فرود آیند و فوجی دیگر عروج کنند و از آنجا اوج گیرند³.

برکات عظیم زیارت کربلا

زیارت کربلا یکی از نعمتهای الهی است که به بشریت داده شده و آثار خیلی خوبی برای زائر قبر حسین علیه السلام دارد که به تعدادی اشاره می شود:

یک- آرامش بخشیدن به زائر

قبل از آنکه به آثار و برکاتی که برگرفته از روایات اسلامی است اشاره کنیم ، این نکته لازم به ذکر است که زیارت مرقد شریف امام حسین (ع) مانند سایر ائمه ، به مردمان و زیارت کنندگانش ، نوعی آرامش و اطمینان می بخشد . در این عصر که انسان را موجودی مضطرب می نامند، و پیوسته دست به گریبان با پدیده‌هایی چون

³ مستدرک الوسائل ج 10، ص 244 ، ح 11938

تردید، ناکامی، تشویش، ترس و ناسازگاری با محیط و زندگی ماشینی و محرومیت و جنگ و حتی کنار نیامدن خود است، و هر روز شاهد کاهشها و فرسایشها است و نمی تواند از اضطراب در امان بماند ، این زیارت مرقد مردان خدا و پیشوایان دین است که به انسان آرامش خاطر می دهد.

در زیارت یک نوع کشش و نیاز الزام آوری انسان را وا می دارد که فشارها و فریادهای درونی را از راهی خارج کند . زائر آن مرقد شریف در پرتو دعا و گفتگو با پاکان و استمداد از ارواح پاک مقربان درگاه الهی، نیرو گرفته و نابسامانیها را با توسل بدانها بر خود هموار می سازند ، و خستگی ها و فشارهای وارد بر روان ، و نیز اضطرابها و یأسها را از خود می زدایند و به آرامش و اطمینانی برای ادامه زندگی دست می یابند.

دو- در امان خدا بودن

به امام صادق (ع) عرض کردند: کمترین اثری که برای زائر قبر امام حسین (ع) چیست؟ فرمود: «کمترین تأثیرش این است که خداوند متعال، او و خانواده و مالش را حفظ می کند تا به سوی اهل خویش برگردد، و چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حافظ او خواهد بود».⁴

سه- زائر خدا محسوب شدن

زید بن شحام گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم : برای زائر قبر امام حسین (ع) چه می باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که خدا را در عرش دیدار نموده باشد». گفتم: برای کسی که یکی از شما را زیارت کند چه می باشد؟ فرمود:

⁴ ثواب الاعمال شیخ صدوق ، ص 116

«همانند کسی است که رسول خدا (ص) را زیارت نموده
است». ^۵

چهار - برآورده شدن حاجات و دفع پریشانی

امام صادق (ع) فرمود: «همانا نزد شما قبری است که هیچ
فرد پریشانی نزد آن نمی آید مگر آنکه خداوند از او دفع
پریشانی نماید و حاجتش را برآورد». ^۶

و نیز به ابوصباح کنانی فرمود: «همانا نزد شما قبری است
که هیچ فرد پریشانی نزد آن نمی رود مگر آنکه خداوند
از او پریشانی را دفع نموده و حاجتش را برآورده می
نماید، و همانا نزد او چهار هزار فرشته هستند که از
هنگام شهادتش آشفته و غم آلود تا روز قیامت بر او
می گریند. هر کس او را زیارت کند، وی را تا خانه اش

^۵ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 281

^۶ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 337

بدرقه می‌کنند، و هر که مریض شود به عیادتش می‌روند،
و هر که بمیرد جنازه‌اش را تشییع می‌کنند».^۷

پنج- زیادتی در عمر و رزق

امام باقر (ع) فرموده است : «شیعیان ما را به زیارت قبر
حسین (ع) امر کنید ، زیرا زیارت او موجب فزونی در
رزق و طول عمر و دفع بلایا و ناگواریها می‌شود ».^۸

شش- آمرزش گناهان

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس حسین (ع) را زیارت
کند در حالیکه عارف به حق او بوده و به امامتش اقرار
داشته باشد خدای سبحان ، گناهان گذشته و آینده‌اش را
می‌آمرزد».^۹

^۷ همان مأخذ.

^۸ همان مأخذ ، ص 289

^۹ کافی ، مرحوم کلینی ، ج 4 ص 582

و جابر جعفی در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «چون از نزد قبر حسین (ع) بازگشتی ، ندا کننده‌ای تو را ندا می‌دهد که اگر آن را می‌شنیدی ، تمام عمر را نزد قبر شریف حسین (ع) اقامت می‌گزیدی. آن منادی گوید: خوشا به حال تو ای بنده خدا که سود فراوان بردی و به سلامت (در دین) دست یافتی. عمل از سربگیر که گناهان گذشته‌ات آموزیده شد». ^{۱۰}

هفت- محسوب نشدن ایام زیارت از عمر زائر

امام صادق (ع) فرمود: «همانا ایام زیارت زائران حسین بن علی (ع) از عمرشان محسوب نگشته و جزء حیاتشان به شمار می‌آید». ^{۱۱}

هشت- حفاظت زائر در دنیا و آخرت

¹⁰ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 295

¹¹ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 322

عبدالله بن هلال به امام صادق (ع) عرض کرد: فدایت شوم، کمترین نصیبی که زائر امام حسین (ع) دارد، چیست ؟ فرمود: «ای عبد الله، کمترین چیزی که برای او می باشد، این است که خداوند او و خانواده اش را حفظ می کند تا وی را به سوی خانواده اش باز گرداند، و چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حافظ او می باشد».^{۱۲}

نه - عنایت و توجه سیدالشهدا (ع)

۱ امام صادق (ع) فرمود: «حسین در نزد پروردگارش ... به زائرانش نظر می کند . او نگاه می کند که چه کسی برای آن حضرت گریه می کند، پس برای او طلب آمرزش کرده و پدرانش را می خواند تا برای آن زائر دعا کرده و طلب آمرزش و مغفرت نمایند. سپس امام (حسین) می فرماید: اگر زائر من می دانست که خدا چه

¹² منتخب کامل الزیارات , ابن قولویه , ص 247

چیزی برای او عطا می فرماید شادی او بیشتر از جزع و
بی تابی وی می گردید». ^{۱۳}

و امام حسین (ع) فرمود: «هر کس مرا در زندگانی
زیارت کند، پس از مرگش باز دیدش خواهم کرد». ^{۱۴}

ده- خیر و برکت زیاد

امام صادق (ع) فرمود: «اگر مردم می دانستند که چقدر
خیر و برکت در زیارت امام حسین (ع) وجود دارد ،
برای زیارت کردنش با یکدیگر مقاتله می کردند، و هر
آینه اموالشان را برای رفتن به زیارتش می فروختند» ^{۱۵}

و امام باقر (ع) فرمود: «اگر مردم می دانستند که زیارت
قبر شریف حسین (ع) چه مقدار فضیلت و برکت دارد، از

¹³ امالی شیخ طوسی ، ص 55

¹⁴ بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج 101 ص 16

¹⁵ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 87

شوق زیارت جان می سپردند و نفسهایشان از شدت
حسرت بند می آمد»^{۱۶}

یازده- برابری زیارت قبر حسین (ع) با حج

عبدالله بن عبید انباری گوید: به امام صادق (ع) عرضه
داشتم : فدایت شوم ، همه ساله وسایل تشریف به حج
برایم فراهم نمی شود. فرمود: «چون قصد حج نمودی و
اسباب برایت فراهم نگشت ، به زیارت قبر حسین (ع)
برو، که یک حج برایت نوشته می شود و چون قصد عمره
نمودی و وسایل مهیا نشد ، عزم زیارت قبر حسین (ع)
نما، که یک عمره برایت منظور می شود»^{۱۷}

دوازده - نام زائر در اعلی علین ثبت می شود

¹⁶ سفینه البحار، محدث قمی ، ج 1 ص 565

¹⁷ منتخب کامل زیارات ، ابن قولویه ، ص 306

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس به زیارت قبر حسین (ع) برود در حالی که عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلیٰ علیین می‌نویسد». ^{۱۸}

سیزده - غرق شدن در رحمت الهی

از امام صادق (ع) پرسیدند: ثواب کسی که قبر امام حسین (ع) را زیارت کند، در حالی که کبر و غرور نداشته باشد چیست؟ فرمود: «برایش هزار عمره و حج مقبول نوشته می‌شود. اگر شقی باشد، سعید نوشته می‌گردد، و پیوسته در رحمت الهی غوطه‌ور خواهد بود».

۱۹

چهارده - دعای معصومین برای زائر

¹⁸ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 324

¹⁹ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 328

معاویۀ بن وهب از امام صادق (ع) نقل نموده که فرمود:
«ای معاویه، زیارت قبر حسین (ع) را از روی ترس
وامگذار ، زیرا هر که آن را ترک کند ، چنان دچار
حسرت می شود که آرزو نماید قبرش نزد او باشد . آیا
دوست نداری که خداوند تو را در زمره کسانی به حساب
آورد که رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و امامان معصوم
(ع) برایش دعا می کنند؟»^{۲۰}

و نیز فرمود: «همانا فاطمه (س) دختر محمد (ص) نزد
زائران قبر فرزندش حسین (ع) حضور یافته و برای
گناهانشان طلب آمرزش می کند».^{۲۱}

پانزده - تجلی خدا

امام صادق (ع) فرمود: «به درستی که خدای تبارک و
تعالی، قبل از اهل عرفات ، برای زائران قبر حسین (ع)

²⁰ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 199

²¹ منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 204

تجلی می نماید، حوایج آنان را بر آورده می کند ،
گناهانشان را آمرزیده و درخواستهایشان را به اجابت
مقرون می سازد ، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در
مورد آنان نیز اینگونه عمل می کند».^{۲۲}

شانزده - سعادت

امام صادق (ع) به عبدالملک خثعمی فرمود: «زیارت
حسین بن علی (ع) را ترک مکن و دوستانت را نیز به آن
فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزیت را زیاد
گرداند. خداوند سبحان زندگانی تو را در سعادت قرار
خواهد داد، و نمی میری مگر سعادتمند ، و تو را در سلک
سعادتمندان خواهند نوشت » .^{۲۳}

هفده - تأثیر زیارت در روز عاشورا

^{۲۲} منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 346

^{۲۳} منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 292

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس قبر حسین را در روز عاشورا زیارت کند ، همانند کسی است که در برابر او به خون خود غلطیده باشد».^{۲۴}

هیجده- قرار گرفتن در جوار پیامبر و علی و فاطمه (ع)

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس می‌خواهد در جوار پیامبر (ص) و علی و فاطمه (ع) باشد، نباید زیارت حسین بن علی (ع) را ترک کند»^{۲۵}

نوزده- تأثیر زیارت در روز قیامت

امام صادق (ع) فرمود: «هیچ کس در روز قیامت نیست مگر آنکه آرزو می‌کند که ای کاش از زائرین امام حسین (ع) می‌بود زیرا مشاهده می‌نماید که با زائران حسین (ع)

²⁴ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 331

²⁵ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 230

به واسطه مقامی که در نزد پروردگار دارند، چگونه عمل می‌شود». ۲۶

و نیز فرمود: «هر کس دوست دارد در روز قیامت بر سر سفره‌هایی از نور بنشیند پس باید از زائرین حسین بن علی (ع) باشد». ۲۷

و زرارة بن اعین گوید: «امام صادق (ع) فرمود: «زائرین حسین یک برتری نسبت به سایر مردم دارند» پرسیدم: برتریشان چیست؟ فرمود: «چهل سال قبل از مردم وارد بهشت می‌شوند در حالی که دیگران هنوز در حال حساب هستند». ۲۸

بیست - رهایی از شدايد قیامت

²⁶ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 330

²⁷ وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 331

²⁸ بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج 44 ص 235

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «من تعهد می‌کنم که در روز قیامت هنگامه رستاخیز، ضمن ملاقات با زائر حسین (ع)، دستش را بگیرم و از مراحل هول‌انگیز و سختیهای قیامت نجاتش بخشیده و او را به بهشت وارد کنم».^{۲۹}

بیست و یک - نجات از آتش جهنم

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس قبر حسین (ع) را به خاطر خداوند و در راه خدا زیارت نماید، خداوند او را از آتش دوزخ آزاد می‌سازد، و روز ترس بزرگ (قیامت) او را ایمن می‌دارد. از خداوند نیز هیچ حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را طلب نمی‌کند مگر آنکه به او عطا می‌نماید».^{۳۰}

²⁹ منتخب کامل الزیارات، ابن قولویه، ص 278

³⁰ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 10 ص 324

این آثار و آثار دیگری که به خاطر اجتناب از طولانی شدن مطلب ذکر نکردیم ، همگی به برکت وجود حضرت سیدالشهدا (ع) است که امیدوارم هر چه زودتر توفیق زیارت مرقد مطهرش نصیب تمام عاشقان گردد.

-40

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: این عنایاتی است که به برکت امام حسین علیه السلام به دوستان آن حضرت می رسد، پس خود آن بزرگوار چه مقام و منزلتی دارند؟

فرمود :

خدای متعال، امام حسین علیه السلام را به پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم ملحق نمود، آن حضرت به همراه جدبزرگوارش و در درجه و منزلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم است .

آن گاه امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت

فرمود :

«والذین آمنوا واتبعتهم ذریتهم یاایمان ألحقنا بهم

ذریتهم³¹»...

«و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از

آنان ایمان آوردند، فرزندانشان را به آنان ملحق می

کنیم³²».»

-41

ایه الله نجابت می فرمودند: همین که نزدیک

می شد ماه محرم، مرحوم آیت الله سید علی قاضی دیگر

قرار نداشتند، همه می دانستند آن جذبه ربّ الارباب، آن

عنایات حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، این آتش عشق

به خداوند و ائمه این بزرگوار را از خود بی خود می کرد،

لذا مقداری نان و خوراکی تهیه می کردند اهل منزل و این

بزرگوار از منزل خارج می شدند و پیوسته محزون و

³¹ سوره طور، آیه 21.

³² اصول کافی

گریان بودند.^{۳۳}

-42-

از امام زمان (علیه السلام) نقل شده که
درباره‌ی مصیبت امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:
«بکت السماء و سگانها و الجنان و خزّانها و الهضاب و
اقطارها، و البحار و حیتانها، و الجنان و ولدانها و البيت و
المقام، و المشعر الحرام، و الحلّ و الحرام.
:آسمان و ساکنانش، و بهشت و خزینه دارانش،
و کوه‌های گسترده بر روی زمین و کرانه‌هایش،
و دریاها و ماهیان، و جنیان و فرزندان،
و خانه‌ی خدا و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام،
و حلّ و احرام، بر او گریستند:»

کاری که امام حسین (علیه السلام) انجام داد
دوست و دشمن را به گریه درآورده و به تحسین
واداشت

³³ سید علی قاضی و شاگردانش

و نه تنها موجودات ذی شعور بلکه تمام موجودات عالم و ذرات آن بر آن حضرت گریه کردند³⁴.

-43

ایه الله مجتهدی: این را یادگاری از من داشته باشید::

:اقامه که می گویند

:قبل از گفتن الله اکبر

:یک سلام به امام حسین بدهید

:این نمازتان عالی می شود

44- ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در بیان امام

زمان عج

علی بغدادی می گوید: در تشریف خود به حضرت صاحب الامر علیه السلام عرض کردم: ای سرور ما! مسأله ای دارم؟ فرمود: بپرس. گفتم: روضه خوان های امام حسین علیه السلام، می خوانند که سلیمان اعمش، نزد شخصی آمد و از زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام پرسید، آن شخص گفت: بدعت است. شب آن شخص در عالم رؤیا، هودجی را میان زمین و آسمان دید، سؤال کرد: در آن هودج کیست؟ گفتند: فاطمه زهرا و خدیجه کبری. گفت: به کجا می روند؟ گفتند: امشب شب جمعه، برای زیارت امام حسین علیه السلام می روند. همچنین دید رقعه هایی از هودج می ریزد و در آنها نوشته است: «امان من النار؛ لزوار الحسین فی لیلة الجمعة امان من النار یوم القيامة؛ این برگ امانی است در روز قیامت برای زوار امام حسین علیه السلام در شب های جمعه». آیا این حدیث، صحیح است؟ فرمودند: آری! راست و درست است. گفتم: سیدنا! صحیح است که می گویند: هر کس

امام حسین علیه السلام را در شب جمعه زیارت کند، این
زیارت برگ امان از آتش است؟ فرمود: آری والله؛ و
اشک از چشمانش جاری شد و گریست³⁵...

شخص ساعت ساز و کبوترانی که به امام حسین علیه
السلام پناه برده بودند...

نتیجۀ العلماء الاعلام حاج میرزا اسماعیل بن الحاج میرزا
لطفعلی بن میرزا احمد مجتهد تبریزی فرمود : یکی از
رفقای اهل تبریز که برادر مشهدی حسین ساعت ساز
تبریزی که در صحن و سرای حایر آقا ابی عبدالله
الحسین علیه السلام بود و در یکی از حجرات آن ساعت
سازی میکرد و از اعتبار خوبی هم در این باب برخوردار
بود ، اتفاقی مبتلا به فلج شد و مدتی هم معالجه کرد ولی
نتیجه ای نگرفت دیگر به دکترها مراجعه نکرد و از

³⁵ ره یافتگان، ص 56

عافیت مایوس گردید مردم او را سرزنش کردند که چرا
معالجه نمی کنی با اینکه این مرض قابل معالجه است و
امید بهبودی هست.

گفت من از شفا مایوسم . سبب یأس را پرسیدند ؟
گفت : من در این حجره ساعت سازی میکردم و این
کبوترها خیلی به حجره می آمدند و اسباب و اثاثیه مرا
می شکستند و مرا اذیت می کردند . یک روز باخود خیال
کردم که این کبوترها بلا صاحب و صحرایی هستند و
صید کردن آنها جایز است ، روزی یک جفت از آنها می
گرفتم و با عیال و اهل بیت می خوردم ، و این کار دو
سود داشت یکی اینکه گوشت رایگان خورده ایم دوم
اینکه اذیت آنها کمتر می شود ، پس دامی برای آنها پهن
کرده و آنها را صید کردم و به این ترتیب روزی دوتا
کبوتر صید می نمودم مدتها از این کار گذشت . یک شب
در عالم خواب آقا سیدالشهداء را زیارت نمودم که
ناراحت به من نگاه کرده و فرمود این کبوترها از تو

شکایت دارند ، آنها را اذیت مکن ، تا این حرف را شنیدم
ترسیدم و هراسان از خواب برخاستم و از کرده خود
پشیمان و تائب گردیدم مدتی این کار را رها کردم تا
آنکه نفس مرا اغواء نمود که به خواب اعتباری نیست و
در این باب شرعا جایز است باز شروع به صید کبوترها
نمودم و می خوردم تا آنکه باز یک شب دیگر عزیز
زهر را آقا سید الشهداء علیهما السلام را در خواب دیدم که
تندتر از دفعه قبل به من نظر می کند و فرمود این
کبوترها به من پناه آورده اند مگر نگفتم آنها را اذیت
مکن و الا تو را اذیت می کنم باز ترسان و هراسان از
خواب بیدار شدم نادم و تائب شدم . دوباره پس از مدتی
باز نفس اماره در مقام وسوسه برآمد که این خواب بوده
و معلوم نیست صحیح باشد و ما هم مجاورین در خانه آن
حضرت هستیم و پناه به او آورده ایم و چطور می شود
که کبوتر صحرایی را از ما منع نمایند و ما را به جهت آنها
اذیت کنند باز به عمل سابق برگشتم دامی گذاشتم و

دوباه مشغول صید شدم و این ناخوشی عارضم شد که
جزای آن کار است ³⁶ ..

□ ■ شخصی از امام صادق (ع) پرسید :

آقا جان! جدتان امام حسین (ع) الان کجاست؟

حضرت فرمودند: چقدر جثه تو کوچک است و چقدر
سوال تو بزرگ است !

بدن مبارک امام حسین (ع) در قبر است اما روح
بزرگشان سمت راست عرش خدا نزد جد و پدر و
مادرشان است و نظر مبارک امام حسین (ع) به دو مکان
و موضع است:

1. به زوار قبرش

2. به مجالس عزایش

آنگاه حضرت فرمودند: امام حسین (ع) از جد و پدر و مادر و برادرش خواهش می کنند که برای عزادارانش استغفار نمایند تا خدا آنان را بیامرزد.

در روایتی دیگر امام حسین (ع) فرمودند :

اگر گریه کننده بر من می دانست که چه اجری نزد خداوند دارد

شادی اش از اندوهش بیشتر می گردید³⁷.

بشیر دُهان نقل می کند:

زمانیکه امام صادق علیه السلام در حیره نزول اجلال فرموده و جماعتی از شیعه محضر مبارکش بودند حضرت روی مبارکشان را به من نموده و فرمودند:

³⁷ چشمه سار عشق، ص 10

قصص الحسینیه، ص 72

ای بشیر امسال به حج رفتی؟

عرض کردم: فدایت شوم، خیر، ولی در روز عرفه به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام رفتم.

حضرت فرمودند:

ای بشیر به خدا قسم آنچه از اجر و ثواب برای اصحاب مگه (حاجی‌ها) در مگه می‌باشد از تو فوت نشده.

عرض کردم: یعنی در این زیارت من ، اجر و ثواب وقوف به عرفات بوده؟

برایم فرموده خود را تفسیر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

ای بشیر وقتی یک نفر از شما کنار فرات غسل نمود و سپس به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفت در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد البتّه خداوند متعال به هر قدمی که وی از زمین بلند می‌کند و سپس آن را بر زمین می‌نهد اجر صد حج و صد

عمره قبول شده می‌دهد و اجر صد جنگ که وی در
معیت نبیّ مرسل با دشمنان خدا و رسول او نموده را
برایش منظور می‌فرماید.

ای بشیر: بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفیت پذیریش
آن را دارد برسان و بگو: کسی که امام حسین علیه
السلام را در روز عرفه زیارت کند مانند کسی است که
خدا را در عرش زیارت نموده³⁸.

مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت ؛

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

گویا می بینم که فرشتگان با مؤمنین بر سر قبر حضرت
حسین بن علی علیه السلام ازدحام کرده اند.

راوی می گوید ؛ عرضه داشتم ؛ آیا مؤمنین فرشته ای را
می بینند ؟

حضرت فرمودند :

³⁸ کامل الزیارات، ص 172

هرگز ، هرگز ، آنها به خدا قسم ملازم و همراه مؤمنین بودند حتی با دست هایشان به صورتهای آنها مسح می کشند.

سپس امام علیه السلام فرمودند :

خداوند مَنّان هر صبح و شام از طعام بهشت بر رُؤار امام حسین علیه السلام نازل می فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند.

هیچ بنده ای از بندگان خداوند حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند متعال درخواست نمی کنند مگر آنکه خدا به او اعطاء می فرماید.

راوی می گوید ؛ عرض کردم؛ به خدا قسم این کرامت می باشد.

امام علیه السلام به من فرمودند:

ای مفضل : برایت بیشتر بگویم ؟

عرضه کردم ؛ بلی سرور من.

حضرت فرمودند:

گویا می بینم تختی از نور را که گذارده اند و بر روی آن
قَبّه ای از یاقوت سرخ زده شده که با جواهرات آن را
زینت نموده اند و حضرت امام حسین علیه السلام بر
روی آن تخت نشسته اند و اطراف آن حضرت نود هزار
قَبّه سبز زده اند و مومنین آن حضرت را زیارت کرده و
بر آن جناب سلام می دهند.

پس خداوند متعال به ایشان می فرماید:

ای دوستانم از من سؤال کنید و بخواهید پس زیاد اذیت
شدید و خوار و مقهور گردیدید؛

امروز ، روزی است که حاجتی از حاجات دنیا و
آخرتتان را از من درخواست نکرده مگر آنرا روا می
نمایم، پس خوردن و آشامیدنشان در بهشت می باشد.

پس به خدا قسم کرامت و احسانی که زوال نداشته و
انتهای آن را نمی توان درک کرد همین است³⁹.

ثواب جا مانده ی از زیارت حسین علیه السلام

هشام بن سالم: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی
که خودش به واسطهٔ بیماری یا مشکلی نتواند به زیارت
امام حسین علیه السلام برود و در عوض شخصی دیگر را
روانه کند(هزینه هایش را بدهد)، چه اجری دارد؟

امام صادق علیه السلام فرمودند:

1. به ازای هر درهمی که خرج کند، خداوند همانند کوه
أحد برایش حسنه می نویسد.

2. چندین برابر آنچه هزینه کرده را در همین دنیا به او
برمی گرداند!

3. بلاهایی را که فرود آمده تا به او برسد، از او می
گرداند و از وی دور می کند و مالش حفظ می شود.

³⁹ کامل_الزیارات باب 50 ح 3 ص 443

هَشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ يَجْهَرُ
إِلَيْهِ وَلَمْ يَخْرُجْ لَعَلَّهُ تُصِيبُهُ لِقَاءُ نَصِيبِهِ قَالَ: يَعْطِيهِ اللَّهُ
بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ - مِثْلَ أَحَدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يَخْلِفُ عَلَيْهِ
أَضْعَافَ مَا أَنْفَقَهُ وَ يَصْرِفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ
لِيُصِيبَهُ وَ يَذْفَعُ عَنْهُ وَ يَحْفَظُ فِي مَالِهِ. [1]

پس اگر جا مانده از قافله عشق حسینی در پیاده روی
زیارت حسین به هر علتی توفیق نشد. بی نصیب نمی
مانیم. چرا که امام صادق علیه السلام بشارت داده است.
به شرطی که در مسیر حسین قدم برداریم و برای زائر
حسین هزینه کنیم. گرچه به یک درهم و دینار، باشد^{۴۰}
اگر می دانستند از شوق می مردند

^{۴۰} کامل الزیارت، ص 129

- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده:
اگر مردم می دانستند، زیارت امام حسین علیه السلام
چقدر فضیلت و ثواب دارد، بدurstیکه از شوق می مردند
و نفسهایشان از روی حسرت بند می آمد. گفتم: چقدر
فضیلت دارد، حضرت فرمودند: هر کس امام حسین علیه
السلام را زیارت کند از روی اشتیاقی که به او دارد، خدا
برایش هزار حج مقبول و هزار عمره مبرورۀ و اجر هزار
شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار
صدقه قبول شده و ثواب هزار بنده آزاد کردن که مراد
از آن رضای خدا باشد، می نویسد.^{۴۱}

داستان مردی که به زیارت امام حسین علیه السلام
نمی رفت

شخصی از بزرگان هند به قصد مجاورت کربلای معلّی به
این شهر آمد و مدت شش ماه در آنجا ساکن شد و در

⁴¹ وسائل الشیعه/ ج 14/ ص 453

این مدت داخل حرم مطهر نشده بود و هر ۴ وقت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را اراده می کرد، بر بام منزل خود رفته، به آن حضرت سلام می کرد و او را زیارت می نمود؛ تا این که سرگذشت او را به «سید مرتضی» که از بزرگان آن عصر و مرسوم به «نقیب الاشراف» بود رساندند.

سید مرتضی به منزل او رفت و در این خصوص او را سرزنش نمود و گفت: «از آداب زیارت در مذهب اهل بیت علیه السلام این است که داخل حرم شوی و عقبه و ضریح را ببوسی. این روشی را که تو داری، برای کسانی است که در شهرهای دور می باشند و دستشان به حرم مطهر نمی رسد».

آن مرد چون این سخن را شنید گفت: «ای نقیب الاشراف» از مال دنیا هر چه بخواهی از من بگیر و مرا از رفتن معذور دار.

هنگامی که سید مرتضی سخن او را شنید بسیار ناراحت شد و گفت: «من که برای مال دنیا این سخن را نگفتم؛ بلکه این روش را بدعت و زشت می‌دانم و نهی از منکر واجب است.»

وقتی آن مرد این سخن را شنید، آه سردی از جگر پر دردش کشید. سپس از جا برخاست و غسل زیارت کرد و بهترین لباسش را پوشید و پا برهنه و با وقار از خانه خارج شد و با خشوع و خضوع تمام، نالان و گریان متوجه حرم حسینی گردید تا این که به در صحن مطهر رسید. نخست سجده شکر کرد و عتبه صحن شریف را بوسید. سپس برخاست و لرزان، مانند جوجه گنجشکی که آن را در هوای سرد در آب انداخته باشند، بر خود می‌لرزید و با رنگ و روی زرد، همانند کسی که یک سوم روحش خارج گشته باشد، حرکت می‌کرد تا این که وارد کفش کن شد. دوباره سجده شکر به جا آورد و زمین را بوسید و برخاست و مانند کسی که در حال احتضار باشد داخل

ایوان مقدس گردید و با سختی تمام خود را به در رواق رسانید.

چون چشمش به قبر مطهر افتاد، نفسی اندوهناک بر آورد و مانند زن بچه مرده، ناله جانسوزی کشید. سپس به آوازی دلگداز گفت: «أَهَذَا مَصْرَعُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ أَهَذَا مَقْتَلُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟؛ آیا اینجا جای افتادن امام حسین علیه السلام است؟ آیا اینجا جای کشته شدن حضرت سیدالشهداء است؟»

پس فریاد کشید و نقش زمین شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود و به شهیدان راه حق پیوست..^{۴۲}

– امام هادی علیه السلام شخصی را کربلا فرستاد تا
برایش دعا کند

⁴² داستان های علوی، ج 4، ص 210/ دارالسلام عراقی، ص 301.

ابو هاشم جعفری گفت: بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد «سلام الله علیهما» وارد شدم در حال که حضرت تب‌دار و بیمار بودند به من فرمودند: ای ابا هاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعاء کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش گفتم و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده اند درخواست کرده و جویا شدم. علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می‌کنم ولی می‌گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر می‌باشد (یعنی حضرت سید الشهداء) و دعای آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعای من برای ایشان در حائر. من محضر امام «علیه السلام» مشرف شده و گفته ی علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می‌کرده و حجر را استلام می‌فرمودند، خداوند متعال بقاع و

مواضعی دارد که می خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعای، دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع می باشد.

داستان_اسحاق_یهودی

شیخ عباس می گوید: در عراق مرسوم است که شیعیان در روز اربعین خود را به شهر کربلا می رسانند، تا در آیین سوگواری آل الله شرکت کنند.

حدود 45 سال پیش در بازار بغداد کاروان سرایی بود به نام «کاروانسرای مرغی» حجره داران آن کاروانسرا نیز یک به یک روانه کربلا شدند فقط دو حجره دار ماندند یکی فردی شیعه به نام «محمد حسین» و دیگری حجره داری به نام «اسحاق».

محمد حسین نیز قصد کربلا می کند برای خداحافظی نزد اسحاق می آید و می گوید: «من راهی کربلایم» اسحاق می گوید: «من هم می آیم.»

محمد حسین نگران از شناسایی اسحاق یهودی و
برانگیخته شدن عواطف مردم می گوید: تو که یهودی
هستی در آنجا کاری نداری تازه ممکن است تو را
بشناسند و برانند یا حادثه‌ای پیش آید».

اسحاق می گوید: «لباس عربی می پوشم و با عشایر بصره
همراه می شوم، در آن صورت کسی مرا نخواهد شناخت»،
گفت و گوی آن دو به پایان می رسد، محمد حسین راهی
کربلا می شود و روزی پس از اربعین به بغداد باز
می گردد.

شبانگاه در خواب می بیند که به زیارت مرقد مطهر امام
حسین (ع) مشغول است. امام حسین (ع) از حرم بیرون
می آیند. حضرت ابوالفضل (ع)، علی اکبر (ع)، قاسم بن
حسن (ع) و حبیب بن مظاهر همراهان حضرت اند، امام از
حبیب می خواهد تا نام زائران را بنویسد، حبیب نام ها را
نوشته و به امام تقدیم می کند، پس امام از حضرت

ابوالفضل (ع) می‌خواهند که بررسی کنند، مبدا نامی از قلم افتاده باشد.

حضرت ابوالفضل می‌فرمایند: «نام فردی یهودی به نام اسحاق از قلم افتاده است.»

حضرت امام حسین (ع) می‌فرمایند: همان که در سوگواری ما شرکت داشت، نام ایشان را هم بنویسید. صبح، محمد حسین از خواب برمی‌خیزد، شگفت زده از ماجرای که در رویا دیده، به حجره می‌رود تا قصه را با اسحاق باز گوید. به حجره که می‌رسد، اسحاق را می‌بیند که خانواده‌اش برگرد او جمع‌اند. پس از آن که محمد حسن چیزی بگوید، اسحاق لب می‌گشاید که «لازم نیست شما چیزی بگویید آن چه شما در خواب دیدید، من نیز در خواب دیدم.»

در پی این ماجرا که نشان از عنایت حضرت ابا عبدالله دارد اسحاق یهودی نزد آیت‌الله العظمی (محمد علی هبه الدین) شهرستانی مرجع بزرگ زمان می‌رود و ضمن

تشرّف به اسلام، خواستار اجازه‌نامه‌ای می‌شود که با
استناد به آن رخصت یابد تا در کربلای معلی سکونت
گزیند.

اسحاق با خانواده‌اش به کربلا می‌آیند و در خیابان عباس
(شارع عباس) ساکن می‌شوند. جمعیت آنها اکنون به
هفتصد تا هفتصد و پنجاه نفر می‌رسد و در آن محله
کوچه‌ای به نام آنهاست و حمام و مغازه‌ها و خانه‌ها.^{۴۳}
-63

در ارتباط با ثواب زیارت امام حسین(ع) از امام باقر(ع)
چنین نقل شده است:

اگر مردم می‌دانستند که در زیارت قبر حسین بن
علی(ع) چه اجر و ثوابی است، حتماً از شوق و ذوق قالب
تهی می‌کردند و به خاطر حسرت‌ها نفس‌هایشان به
شماره افتاده و قطع خواهد شد.

⁴³ مسافر نگاه سرخ- میرحمید میرمعصوم‌نژاد

راوی می‌گوید گفتم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی است؟!

حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حجّ و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد، اجر و ثواب هزار شهید از شهدای بدر، اجر هزار روزه‌دار، ثواب هزار صدقه قبول شده، ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می‌شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکّل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم، نگهدارش باشد. اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده، کفن نموده، برایش استغفار و طلب آمرزش کرده، تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر

در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و
نکیر بر حذرش می‌دارند و برایش دری به بهشت
می‌گشایند و کتابش را به دست راستش می‌دهند و در
روز قیامت نوری به وی داده می‌شود که بین مغرب و
مشرق از پرتو آن روشن می‌گردد و منادی نداء می‌کند:
این کسی است که از روی شوق و ذوق امام حسین(ع) را
زیارت کرده، و پس از این نداء، احدی در قیامت باقی
نمی‌ماند مگر آن که تمنا و آرزو می‌کند که کاش از زوَّار
حضرت ابا عبد الله الحسین(ع) می‌بود⁴⁴.

[1] ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، محقق، مصحح، امینی،
عبد الحسین، ص ۱۴۲-۱۴۳، نجف اشرف، دار المرتضویه، چاپ اول،
۱۳۵۶ش؛ کامل الزیارات، ترجمه، ذهنی تهرانی، محمد جواد، ص ۴۶۹،
تهران، پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

64- مقدس اردبیلی وقتی به کربلا می رفت در آنجا
نجاست و مدفوع خود را در مشکی جمع کرده سپس به
خارج چهارفرسخی رفته دفن می نمود. علت را پرسیدند
گفت چهارفرسخ در چهارفرسخ حرم حسین است من
حاضر نیستم که در این مکان مقدس نجاست وارد
کنم.^{۴۵}

ملا محسن فیض کاشانی و مسلمان کردن مرد رومی

گویند: در زمان شاه عباس یکی از سران کشور
خارجی، پیکری را به همراه شخصی نزد شاه ایران فرستاد
و درخواست کرده بود که دستور بدهید علمای شما با
فرستاده ما در امر دین و مذهب مناظره کنند که
اگر مغلوب شدند، به دین ما بگروید!!

فرستاده خارجی این قدرت را داشت که هر که چیزی
در دست می گرفت، او از آن خبر می داد.

⁴⁵ داستانهای از زندگی علماء

شاه علما را جمع کرد و قرار شد که ملا محسن فیض با او مناظره کند. ملا محسن فیض به او گفت شاه شما دانشمندی نداشت که بفرستد و شما را که بی دلنش هستید برای مناظره با علمای ایران فرستاده است؟ او گفت که شما از عهده شکست داند من بر نمی آید! اکنون چیزی در دست بگیر تا من بگویم چه چیزی است!

ملا محسن فیض تسبیح مام حسین را در مشت خود پنهان کرد. آن شخص در دریای فکر غوطه ور شد و بسیار فکر می کرد. ملا محسن فیض گفت چرا جواب نمی دهی؟ گفت طبق تخاص خود می بینم که در دست تو قطعه ای خاک بهش است. تفکر من در این است که خاک بهشت چگونه به دست تو رسیده است؟ ملا محسن فیض گفت: راست گفتم، در دست من قطعه ای از خاک بهشت است و آن تسبیحی از قبر مطهر دخترزاده پیامبرمان که امام بوده می باشد. و از این مطلب بطلان دین

شما وحقانیت دین ما روشن شد. در این موقع آن شخص
مسلمان شد.^{۴۶}

شفا از جناب حرّ بن یزید ریاحی

آقای قندهاری یکی از علمای مشهد است که مرد
مقدس است فرموده بودند: من در زمان طلبگی «تب
لازم» داشتم. این تب انسان را رهانمی کرد. خیلی اوقات هم
کسی را می کشته است. ضعف روی ضعف پدید می آمد تا
منجر به فوت می شد. من هم مرگم نزدیک شده
بود. رفقای خواستند به زیارت حرّ بروند. م هم حوصله ام
سر رفته بد و به آنها گفتم مرا هم ببرید. گفتند
نمی شود. گفتم هرطوری هست مرا ببری. اگر شده روی
دوش شما باشم.

طلبه ها این کار را کردند. مرا بر دوش گرفتند
و بردند. طلبه ها زیارتشان را که کردند، مرا گوشه حرم
گذاشتند و رفقا دنبال تفریح رفتند. و من هم زیارتم

را کردم. یک وقت دیدم که یک زن عربی با یک بچهٔ فلج
و ناتوان و غیب مانده آمد. او را کنار ضریح حضرت حرّ
گذاشت و یک شبکه را گرفت و گفت: یا کاشف الکرب عن
وجه الحسین! اکشف کربی بحق مولاک الحسین. یعنی ای
کسیکه غم و غصه را از حسین برطرف می نمودی! غم
و غصه مرا هم بحق حسین برطرف کن!

آن زن شبکه دوم را گرفت و این جمله را گفت. شبکه
سوم را گرفت و این جمله را گفت ناگاه بچه ایستاد و آمد
دامن مادرش را گرفت و گفت مادر!

آری بچه خوب شد. فهمیدم که این نوع معجزات رای این
زن تازگی نداشته و اثالش را بسیار دیده بود. این زن یک
تعظیم و تشکری کرد و از حرم حضرت حرّ بیرون رفت.

من فکر کردم که این زن این حاجت را گرفت! من که
یک واعظ و طلبه هستم و مروط به اهل بیتم چرا من حاجت
نگیرم؟ می توانست بلندشوم. لذا افتان و خیزان تا پای

ضریح آمدم وشبکه را گرفتم وگفتم:یاکاشف الکرب عن
وجه الحسین!اکشف کربی بحق مولاک

سپس همانند آن زن ،شبکه دوم را گرفتم وهمین جمله
را گفتم.بعدشبکه سوم را هم گرفتم واین دعا را
کردم.ناگاه دیدم مل آب که روی آتش بریزند بدن گرم
من ،سرد شد.دیدم قدرت دارم.بلند شدم وایستادم.دیدم
می توانم راه بروم.بنا کردم به راه رفتن.حتی
دیدم می توانم بدوم!بنا کردم به دویدن!آدمم نزد طلبه ها
وگفتم بیائید!خوب شدم.»^{۴۷}

در آداب زیارت حرم حسینی

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود اوّل
غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت دوّم ترک
کلام بیهوده و لغو و مخاصمه ومجادله در راه سیّم غسل

⁴⁷ داستانهای از علماء-نویسنده : علی میرخلف زاده

برای زیارت هر امامی چهارم طهارت از حدث کبری'
وصُغری' پنجم پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو
ششم در وقت رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه
برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع
بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات
نمودن هفتم خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام
حسین {برای مردان} هشتم در وقت رفتن به حرم مطهر
زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید
مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمد و آل
محمد: دهان را معطر نمودن نهم بر در حرم شریف
ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت
قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصوّر و فکر در
عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه
می‌بیند ایستادن او را و می‌شنود کلام او را و جواب
می‌دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت می‌دهد
در وقت خواندن اذن دخول و تدبّر در محبت و لطفی که به
شیعیان و زائران خود دارند و تأمل در خرابیهای حال

خود و خلافها که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های
بی‌حدّ که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به
ایشان یا به خاصّان و دوستان ایشان رسیده که برگشتن
آن به آزردهن ایشان است و اگر براستی در خود نگرد
قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش
گریان شود و این روح تمام آداب است‌دهم بوسیدن
عتبۀ عالیّه و آستانۀ مبارکه است‌بود یازدهم مقدّم داشتن
پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ
در وقت بیرون آمدن مانند مساجد دوازدهم رفتن به نزد
ضریح مطهر بنحوی که بتواند خود را به آن بچسباند
و توهّم آنکه دورایستادن ادبست و هُم است زیرا که وارد
شده تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن سیزدهم در
وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبرمنور
ایستادن چهاردهم ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر
عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها
پانزدهم گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر پیش از
شروع در خواندن زیارت هفدهم بجا آوردن نماز زیارت و

أَقْلَّ آن دور کعتست شیخ شهید فرموده که اگر زیارت
برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و
اگر در حَرَم یکی از ائمه است در بالای سر بجا آورد
و اگر بجا آورد آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی
مسجد حرم جایز است هیجدهم خواندن سوره یس در
رکعت اوّل و سوره الرّحمن در رکعت دوّم نوزدهم شیخ
شهید؛ فرموده که کسی که داخل حرم مطهر شود و ببیند
که نماز جماعت منعقد شده است ابتدا به نماز کند پیش
از آنکه زیارت کند و همچنین ترک کند زیارت را و
داخل نماز شود اگر وقت نماز شده نماز بیستم از جمله
آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضَرّاح
مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدّس مَزُور بیست و
یکم ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده
و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم
و قبیح و مانع رز و جالب قساوت قلب است خصوص در
این بقاع مطهره و قُبَاب س'امیه که خدای تعالی خبر
می‌دهد از بزرگی و جَلالَت آنها در سوره نُور بیست و

سیّم وداع کردن امام ع را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مأثور یا به غیر آن بیست و چهارم توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود پیش از زیارت بیست و پنجم انفاق کردن به قدر میسور بر خادمان آستانه شریفه بیست و ششم انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعقّین بلد امام ع بیست و هفتم که از جمله آداب تعجیل کردن در بیرون رفتن است. بیست و هشتم در سفر کربلا غذای لذیذ و خوشمزه نخورد مخصوصاً قبل از واررد شدن به حرم.^{۴۸}

حائر حسینی

□ محدوده قبر مطهر امام حسین(ع) را «حائر» گویند و علت این نام گذاری را برخی چنین گفته‌اند: متوکل عباسی در نیمه اول قرن سوم، برای تخریب قبر مطهر

امام حسین(ع) دستور داد آن منطقه را آب بستند. چون آب به محل قبر رسید، از رفتن بازماند و همانند دژی استوار، گرد قبر متوقف شد. محدوده قبر همچنان خشک باقی ماند و آب متحیر گرد قبر ایستاد و نتوانست به داخل آن نفوذ نماید؛ لذا محدوده قبر آن حضرت را «حائر» گویند⁴⁹.

- از ابوالفرج نقل شده ندیمه متوکل عباسی که از دشمنان سرسخت امام حسین علیه السلام بود، مدتی نبود. بعد که امد متوکل پرسید کجا بودی؟ گفت مکه. گفت که الان فصل حج نیست. راستش رو بگو؟ گفت کربلا بودم. به زیارت قبر حسین علیه السلام رفته بودم. متوکل آتش گرفت از این سخن. که چرا ندیمه مخصوص او هم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رود.

⁴⁹ شیخ بهائی، جامع عباسی، ص ۲۳۳ و نگاهی نو به جریان عاشورا،

فوری صاحب او را احضار کرد و تمامی اموالش را ضبط نمود و خودش را به زندان انداخت و دستور داد قبر امام حسین علیه السلام و کلیه خانه های موجود را خراب کنند و زمین آنها را زراعت نمایند.

ابوالفرج می افزاید این عمل غیرانسانی در سال 233 هجری در شعبان به وقوع پیوست و مسلمان ها اقدام نکردند، ناچار ابراهیم دیزج یهودی را مامور کرد. وی جمعی از یهودیان را برای اجرای این منظور به کربلا آورد و آنان مباشر این عمل گشتند.

و دیزج حسب دستور متوکل به ویرانی قبر و خانه ها کفایت نکرد، زمین آنها را زراعت نمود و پاسبانان دور تا دور نینوا برای منع زوار گماشت و هر که را می گرفتند یا می کشتند یا به زندان می فرستادند.^{۵۰}

هوالمحبوب، [۱۷:۱۲ ۱۴، ۱۰، ۱۹]

⁵⁰ مقاتل الطالبيين: ص 203؛ تاریخ کربلا: ص 193-194.

متوکل عباسی، پاسگاهی در نزدیکی کربلا زده و به افراد خویش فرمان اکید داده بود که: هر کس را دیدید قصد زیارت حسین را دارد، بکشید. به امر متوکل، هفده بار قبر حسین (علیه السلام) را خراب کردند.

این حادثه در سال 237 هجری بود. ولی مردم در موسم زیارت، باز هم تجمع کرده، علیه او شورش کردند و بی‌باکانه به ماموران خلیفه گفتند: اگر تا آخرین نفر هم کشته شویم، دست بر نمی‌داریم.

و بازماندگان ما به زیارت خواهند آمد. وقتی حادثه به متوکل گزارش شد، به آن فرمانده نوشت که دست از مردم بردارد و به کوفه بازگردد و چنین وانمود کند که مسافرتش به کوفه در رابطه با مصالح مردم بوده ... تا این که در سال 247 باز تجمع مردم زیاد شد.

به نحوی که در آن محل، بازاری درست شد. مجدداً بنای سخت‌گیری گذاشتند روز به روز بر زائران افزوده می‌شد، متوکل سرداری فرستاد و میان مردم اعلام کردند که ذمه خلیفه از کسی که به زیارت کربلا رود بیزار است.

باز هم آن منطقه را ویران کردند و آب بستند و شخم زدند و قبر را شکافتند. اینگونه برخوردها و جفاها، همه برای پراکندن مردم از گرد این کانون حرارت و شوق بود، اما کمترین نتیجه‌ای نمی‌گرفتند و بر شوق مردم افزوده می‌شد. «بهای وصل تو گر جان بود، خریدارم.» کربلا، سنگر مقاومت می‌گشت و کعبه اهل حقیقت و ولا.

هوالمحبوب، [۱۷:۱۳ ۱۴، ۱۰، ۱۹]

بنای اولیه توسط مختار

بنا بر گزارش‌های تاریخی، اولین بنا توسط مختار بن ابی عبید ثقفی ساخته شد. این بنا با آجر و گچ در اواخر سال ۶۵ق به اتمام رسید.[۳] به گفته عبدالجواز کلیددار بنای نخستین عبارت بود از یک سایه بان و یک مسجد که دو درب داشت یکی از آنها در شرق بود.[۴] بنای مذکور تا پایان دوره بنی امیه همچنان پا بر جا بوده است.

از تشویق امام صادق(ع) به زیارت امام حسین(ع) و کیفیت زیارت آن حضرت استفاده می‌شود که قبر امام در آن زمان دارای بنا و ساختمان بود. در روایت امام صادق(ع) آمده است: «هر گاه قصد زیارت قبر امام حسین(ع) کردی، بیرون حرم بایست و به طرف قبر بنگر، آن گاه وارد روضه شو و در برابر آن، مقابل سر حضرت(ع) بایست، و هنگام بیرون رفتن از دری که پایین پای علی بن حسین قرار دارد، بیرون شو. سپس به مرقد شهیدان رو آور، آن گاه به مرقد حضرت عباس(ع)

برو، در باب السقیفه توقف کن و بر او سلام کن.» [۵]
واژه‌هایی، همانند «بیرون حرم بایست»، «آن گاه وارد
روضه شو»، «از دری که پایین پای علی بن الحسین (ع)
قرار دارد، بیرون شو» گویای وجود بنایی بر قبر امام
حسین (ع) در دوران نخست است.

اما قبور دیگر شهداء در قرن اول و دوم خارج از قبه
حسینی بوده چنانچه از خبر ابو حمزه ثمالی چنین استفاده
می‌شود: «ثم تخرج من السقیفه و تقف بحذاء قبور
الشهداء» «سپس از زیر سقف خارج می‌شوی و در کنار
قبور شهدا می‌ایستی» [۶]

هوالمحبوب، [۱۹، ۱۰، ۱۴، ۱۸: ۱۷]

علیرغم شدت فشارهای دولت متوکل نسبت به محبان و
شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) ایشان هیچ گاه

دست از محبت خود برنداشتند و تا پای جان پای اعتقادات خود ایستادند تا جایی که متوکل مجبور شد زیارت امام حسین(ع) را با صدور احکامی از جمله بریده شدن دست راست در مرتبه اول و دست چپ در مرتبه دوم تحریم کند، اما این ترفند متوکل نیز کارساز نبود و شیعیان دسته دسته به زیارت اباعبدالله(ع) می رفتند.

مسعودی، مورخ بزرگ، در کتاب مروج الذهب می نویسد: خانمی به قصد زیارت قبر امام حسین (ع) به مأمور ثبت نام مراجعه کرد. به وی تذکر دادند آیا می دانی که شرط رفتن به زیارت قطع دست است؟ آن زن پاسخ داد: از شرایط آگاهم! متصدی ثبت نام، اسم این خانم را می نویسد. آن گاه به وی می گوید دستش را برای قطع کردن بیرون بیاورد. آن زن دست چپ خود را بیرون می آورد. مأمور می گوید: خانم، بخشنامه می گوید باید دست راست داوطلب زیارت قطع شود. آن زن

دست راست خود را از زیر حجاب بیرون آورده و می‌گوید: این دست را که سال گذشته قطع کرده‌اید.

در مرتبه بعد متوکل عباسی، پاسگاهی در نزدیکی کربلا زد و به افراد خود فرمان اکید داده بود که هر کس را دیدید قصد زیارت حسین را دارد، بکشید. (بحارالانوار، ج 45، ص 404) در یکی از این نوبتها، «دیزج یهودی» را مأمور تغییر و تبدیل و تخریب قبر مطهر کرد. او نیز با غلامانش سراغ قبر رفت و حتی قبر را شکافت و به حصیری که پیکر امام در آن بود برخورد کرد که از آن بوی مشک می‌آمد. دوباره خاک روی آن ریختند و آب بستند و آن زمین را می‌خواستند با گاو شخم بزنند که گاوها پیشروی نمی‌کردند. (بحارالانوار، ج 45، ص 394). متوکل دستور داد قبر امام حسین علیه‌السلام را ویران و خانه‌های اطراف قبر شریف را خراب آنگاه در آن محل زراعت کنند و زائران را از زیارت بازداشت و به زندان

انداخت و مورد شکنجه قرار داد. در این بین امام
کاظم(ع) در مراجعات مختلفی که شیعیان به ایشان
داشتند، تأکید می کردند هیچ گاه زیارت جدم حسین(ع)
را ترک نکنید.

– نظر میرزا جواد آقا ملکی تبریزی درباره اربعین

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی که بارها با پای پیاده از عتبه
علویه، رهسپار عتبه حسینی شده بود، درباره مراقبه و
بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین می گوید: «به هر
روی بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر(اربعین)
را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده بکوشد که امام
شهید را در مزار حضرتش(ع) زیارت کند، هر چند تنها
یک بار در تمام عمرش باشد.^{۵۱}
81- تارک زیارت امام حسین (ع) عاق رسول خدا (ص)
است

⁵¹ ترجمه المراقبات، کریم فیضی، صفحه ۸۵

□♦ تارک زیارت امام حسین (ع) عاق رسول خدا (ص) و

اهل بیت محسوب می شود

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: قُلْتُ
جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِيمَنْ تَرَكَ زِيَارَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى
ذَلِكَ قَالَ أَقُولُ إِنَّهُ قَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ عَقَّنَا وَ اسْتَخَفَّ
بِأَمْرِ هُوَ لَهُ. ٥٢

حلبی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در ضمن

حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت :

محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: فدایت

شوم! درباره کسی که با داشتن قدرت، زیارت آن

حضرت را ترک می کند، چه می فرمائید؟ حضرت

فرمودند: می گویم: این شخص عاق رسول خدا صلی الله

علیه و آله و سلم و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که

به نفع او است را سبک شمرده است.

سه اثر زیارت امام حسین در دنیا (ع)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع
فَإِنَّ إِيْتَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيَدْفَعُ مَدَافِعَ
السَّوْءِ.⁵³

امام باقر علیه السلام فرمود :

شیعیان ما را به زیارت امام حسین علیه السلام امر کنید.

پس همانا آمدن به (زیارت امام حسین علیه السلام)

روزی را زیاد می کند و عمر را طولانی می نماید و

حوادث بد را دور می کند.

- مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگامی که در جنگ

صفین به سرزمین کربلا رسیدند، به اصحابشان فرمودند:

اگر میدانستید اینجا کجاست، از این سرزمین عبور نمی

کردید مگر اینکه مثل من گریه کنید.

⁵³ ویژگی‌های امام حسین، ص 95.

فبکی طویلا...

سپس گریستند؛ به حدی که محاسن مبارک آن حضرت
خیس، و اشک بر سینه مبارک ایشان جاری شد و
فرمودند:

آه! آه! مالی و لال ابی سفیان و لال حرب...

مرا با آل ابوسفیان چه کار؟! مرا با آل حرب چه کار؟!
آنها که گروه شیطان و اولیاء کفرند .

صبرا یا اباعبدالله...

صبر کن ای اباعبدالله چرا که آنچه تو از این امت
کشیدی، پدرت نیز کشیده است.

اینجا محل جان دادن آنها و محل کشته شدن ایشان
است. اینجا کربلاست که در آن گروهی کشته می شوند
که بدون حساب وارد بهشت خواهند شد. اینجا خون آنها
ریخته خواهد شد. خوشا به حالت ای تربتی که خون
دوستان (خدا) بر روی تو ریخته خواهد شد! نه شهدای

قبلی و نه شهدای بعدی، هیچ کدام به مقام اینها نخواهند رسید.

سپس فرمودند: در خواب دیدم مردانی از آسمان فرود آمدند که پرچمهای سفیدی همراه داشتند و شمشیرهای خود را که سفید و درخشنده بود حمایل کرده بودند، آنگاه در اطراف این زمین خطی کشیدند.

سپس گویا، دیدم این نخلها شاخه های خود را به زمین میزدند و این زمین غرق خون تازه شد!

آنگاه حسین - فرزند و پاره تن و عصاره وجودم - را دیدم که در میان دریای خون غرق شده و هر چه استغاثه میکند کسی به فریادش نمیرسد!

پس از این ماجرا دیدم مردانی که سفید و نورانی بودند از آسمان نازل شدند و گفتند: ای آل رسول! صبور باشید! زیرا شما به دست بدترین مردمان کشته خواهید شد. یا ابا عبدالله! این بهشت است که مشتاق شماست.

آنگاه آن مردان به من تعزیت داده، میگفتند: یا ابا الحسن! مژده باد تو را، زیرا در آن روزی که مردم در محضر عدل خدا قیام میکنند خدا چشم تو را به وسیله این حسین روشن خواهد کرد⁵⁴.

در روایتی دارد وقتی وارد حائر حسینی می شوید و می خواهید زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بروید اول سه مرتبه صورتتان را روی قبر علی اکبر (علیه السلام) بگذارید سپس خدمت ابا عبدالله (علیه السلام) بروید. علی اکبر باب الحسین است، تا نزد ابا عبدالله (علیه السلام) واسطه شود و امام (علیه السلام) شما را بپذیرد. سؤال شد: چرا سه مرتبه؟ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روز عاشورا ابا عبدالله وقتی جوانش را غرق در خون دید

⁵⁴ بحار الانوار ج 41 ص 286 و ج 41 ص 295 و ج 44 ص 252 و

سه مرتبه صورت روی صورت علی اکبر (علیه السلام)
(گذاشت، آمد کنار بدن و صورت گذاشت... عَلَى الدُّنْيَا
بَعْدَكَ الْعَفَا^{۵۵}

. علی جان! دیگر بعد از تو دنیا را نمی خواهیم. مرتبه دوم
صورت گذاشت لَقَدْ اسْتَرَحْتَ مِنْ هَمِّ الدُّنْيَا وَ غَمِّهَا . تو
رفتی و از هم و غم دنیا راحت شدی. ای پدران شهدا! این
جمله را برای شما می گویم وَ بَقِيَ أَبُوكَ وَحِيدَةً فَرِيدَةً^{۵۶};
تو رفتی پدرت را تنها گذاشتی، وحید و فرید گذاشتی.
مرتبه سوم نفرین کرد. ای عمر سعد! خدا رَحِمَت را قطع
کند که این طور فرزندم را به شهادت رساندی. امام
مرتبه سوم صورت از صورت علی اکبر برنداشت. خدا
چه شد؟ نکند حسین، جان داده است؟ نکند داغ علی
اکبر (علیه السلام) این گونه در اباعبدالله (علیه السلام

^{۵۵} بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۴

^{۵۶} منتهی الآمال، ص ۵۱۵ و ۵۱۴

(اثر کرده؟ یک وقت عمه جاننش زینب از خیمه خارج
شد مرتب صدا می زند: یا اُخْیَاهُ وَبن اُخْیَاهُ خودش را
رساند، دست به شانه برادر نهاد: برادرم بلند شو خدا
صبرت بدهد. فَأَكْبَتَ عَلَيْهِ^{۵۷};

خودش را انداخت روی بدن علی. خواهر ناله می زند.
مصیبت مصیبت است و صبر برای خداست اما گریه یک
امر طبیعی است رَفَعَ صَوْتَهُ بِالْبُكَاءِ با صدای بلند کنار بدن
علی ناله می زند^{۵۸}

خلیعی شاعر راهزنی ناصبی که شاعر اهل بیت شد

یکی از داستان هایی که آثار پر برکت قبر امام حسین
(علیه السلام) را در حسن عاقبت نشان می دهد داستان

^{۵۷} الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۶؛ اعلام الوری، ص ۲۴۶

^{۵۸} سوگنامه آل محمد، ص ۲۷۷.

«خلیعی شاعر» است

ابوالحسن جمال الدین علی ابن عبد العزیز ابن ابی «
محمد الخلیعی» یا، خلیعی یکی از شاعران برجسته و
مدیحه سرایان مخلص اهل بیت علیهم السلام صمت و
طهارت (علیه السلام) است که در ابتدا خود و پدر و
مادرش ناصبی و از دشمنان اهل بیت (علیه السلام) بودند
اما، با عنایت ویژه خاندان اهل بیت راه حق را شناخت و
از کرده های بد گذشته خویش توبه کرد. جریان هدایت
او را مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر چنین
بیان فرموده است

خلیعی اهل «موصل» و ساکن «حله» بود، پدر و مادرش
ناصری بودند. مادرش نذر کرد که اگر خدا به او فرزند
پسری عنایت فرماید، او را برای راهزنی و آزار و اذیت و
کشتن زائران امام حسین (علیه السلام) سر راه کاروان
زائران امام حسین (علیه السلام) بفرستد. خدای متعال به
او فرزند پسری داد. این پسر بزرگ شد و به سنی رسید
که آن زن می توانست به نذرش ادا کند. موضوع را با
فرزندش مطرح کرد و هم خواست مادر را پذیرفت. به

بیابانهای منطقه «مسیب» رفت و در کمین زائران امام حسین (علیه السلام) مدتی منتظر ماند تا وقتی کاروانی از زائران امام حسین (علیه السلام) از راه می رسد به آنها حمله کند و نذر مادر را ادا نماید. هنوز کاروان از راه نرسیده بود که خواب بر چشمان او غلبه کرد. قافله زائران امام حسین (علیه السلام) از راه رسیدند اما علیرغم سر و صدای کاروان و گرد و غباری که از آمدن آنها به پا شده بود از خواب بیدار نشد. گرد و غبار کاروان لباس و بدن او را هم فرا گرفت. در همان حال «خلیعی» در خواب دید: صحنه قیامت بر پا شده است. فرمان رسید که او را به آتش بیاندازند، او را به میان آتش انداختند اما، گرد و غباری بر بدن و لباس او وجود داشت که او را از سوختن و گرمای آتش، در امان نگه می داشت. در عالم خواب متوجه شد که این گرد و غبار، گرد و غبار کاروان زائران امام حسین (علیه السلام) است که بر بدن و لباس او نشسته است و به برکت آن، او از آتش عذاب الهی در امان مانده است. از خواب بیدار شد. فهمید که اشتباهی بزرگ کرده است.

از کرده خود پشیمان شد و از قصد خود بازگشت و
همانجا توبه کرد و تصمیم گرفت برای عرض پوزش به
کربلا برود. با دلی پر از اضطراب و نگرانی به کربلا رفت
و به حرم مقدس امام حسین (علیه السلام) وارد شد و
عرض ادب نمود و به خاطر قصد گذشته خود، از درگاه
آن حضرت پوزش طلبید و دو بیت سرود که آن دو بیت
را یکی از شعرای حله چنین تخمیس کرده است

أرى بحيرةً ملأتك رينا - و شتتک الهوی بینا فینا
فطب نفسا و قر بالله عینا - اذا شئت النجاه فزر حسینا
لکی تلقی الاله قریر عین
اذا علم الملائک منک عزما - تروم مزاره کتبوک رسما
و حرمت الجحیم علیک حتما - فان النار لیس تمس
جسما

علیه غبار زوار الحسین
ترا حیران می بینم و شک ترا فرا گرفته - و هوای نفس
ترا آشفته و بینابین قرار داده
پس دلت را پاک کن و چشم را به خدا روشن دار - اگر

نجات خواهی، حسین را زیارت کن
تا خدا را با روشنی چشم دیدار کنی
اگر فرشتگان بدانند که تصمیم گرفته ای - او را زیارت
کنی نام تو را می نویسند
و آتش دوزخ بر تو، قطعاً، حرام می شود - چونکه آتش
نمی رسد به جسمی
که بر آن غبار زائران حسین است

آری، بدین ترتیب او از دوستان خالص و پاک اهل بیت
رسالت شد و مورد عنایت و الطاف ویژه آن خاندان
گرامی (علیهم السلام) قرار گرفت^{۵۹}

—
یعقوب لیث آرزوی یاری امام حسین (علیه السلام)،

منشأ سعادت

آرزوی یاری امام حسین (علیه السلام) نشانی از باطن

59 اسرار حسن عاقبت و سوء عاقبت - میرزا حسن ابوترابی

پاک و محبت به اهل بیت علیهم السلام صمت و طهارت
(علیهم السلام) است از این رو، یعقوب لیث با ریختن
اشکی برای امام حسین (علیه السلام) و آرزوی یاری آن
حضرت، سعادت خود را تأمین می کند.

یعقوب لیث، پسر رویگری سیستانی، و اهل یکی از
روستاهای سیستان به نام «قرنین» بود وی، ابتدا با
برادرانشان به شغل پدر پرداخت اما. روح و همت بلند و
شجاعت فوق العاده اش او را تا پادشاهی خراسان و
سیستان به پیش برد و در صدد بود که حکومت خود را
گسترش دهد که أجل به او مهلت نداد.

یکی از نشانه های روح بلند او، این است که در اوج
قدرت به یاد مظلومیت امام حسین (علیه السلام) و اهل
بیت آن حضرت (علیهم السلام) بود و آرزو کرد که با
این قدرتش می توانست امام حسین (علیه السلام) را
یاری کند و همین آرزو، سعادت ابدی را برای او به دنبال
داشت. جریان او را چنین نقل کرده اند:

روزی یعقوب لیث از سفر بر می گشت: لشکریان او با
صد گرز طلا که هر گرز نشان هزار سرباز بود برای
استقبال او آمده بودند، هنگامی که از این لشکر در حال
سان دیدن بود، قدرت خود را نظاره می کرد، پرسید:
امروز چه روزیست؟ گفتند: امروز «عاشورا» است،
یعقوب به یاد مصائب امام حسین (علیه السلام) به گریه
افتاد و گفت: ای کاش با این لشکر کربلا بودم و امام
حسین (علیه السلام) را یاری می کردم.
بعد از مرگ یعقوب، وی را در خواب دیدند که در
قصریست، با او گفتند: این رتبه و مقام را از کجا آوردی؟
گفت: این مقام و جایگاه را به واسطه آن آرزو به من داده
اند.^{۶۰}
فتح باب سالکین با توسل به امام حسین علیه السلام

مرحوم قاضی رضوان الله علیه می فرمود: من در وجب به
وجب صحن حضرت سید الشهداء علیه السلام شبها را تا
به صبح بیتوته کرده ام .

و هم از ایشان منقولست که: توسّل به سید الشهداء
علیه السلام جهت فتح باب سالکین إلى الله و کشف حجب
تأثیری عجیب دارد و بدون توسّل به سید الشهداء
علیه السلام فتح باب نمی شود⁶¹.

فضیلت کربلا

کربلا سرزمین بافضیلتی است که درباره ارزشها و
خوبیهای آن از اهل بیت علیهم السلام مطالب زیادی نقل
شده که به تعدادی اشاره می شود.

حدیث اول: حریم پاک

ن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال:

..و هی اطهر بقاع الأرض و اعظمها حرمةً و انها لمن

⁶¹ اسرار ملکوت، ج 2، ص 205

بطحاء الجنة.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن حدیث
بلندی می فرماید: کربلا پاکترین بقعه روی زمین و از
نظر احترام بزرگترین بقعه ها است و الحق که کربلا از
بساطهای بهشت است.^{۶۲}

حدیث دوم: سرزمین نجات

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:
يقبر ابني بأرض يقال لها كربلا هي البقعة التي كانت فيها
قبة الاسلام نجا الله التي عليها المؤمنين الذين امنوا مع نوح
في الطوفان.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پسر من
حسین در سرزمینی به خاک سپرده می شود که به آن
کربلا گویند، زمین ممتازی که همواره گنبد اسلام بوده
است، چنانکه خدا، یاران مؤمن حضرت نوح را در همانجا

⁶² بحار الانوار، ج 98، ص 115 و نیز کامل الزیارات، ص 264

از طوفان نجات داد.^{۶۳}

119- امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ پیامبری در
آسمانها و زمین نیست مگر این که می خواهند خداوند
متعال به آنان رخصت دهد تا به زیارت امام حسین علیه
السلام مشرف شوند، چنین است که گروهی به کربلا
فرود آیند و گروهی از آنجا عروج کنند.^{۶۴}
حدیث نهم: کربلا، مطاف فرشتگان

قال ابو عبد الله عليه السلام:

ليس من ملك في السموات و الأرض الا يسألون الله
تبارك و تعالى أن يؤذن لهم في زيارة الحسين (عليه
السلام)، ففوج ينزل و فوج يعرج.
امام صادق علیه السلام فرمود:

⁶³ کامل الزیارات، ص 269، باب 88، ح 8
⁶⁴ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 244، به نقل از کامل
الزیارات، ص 111

هیچ فرشته ای در آسمانها و زمین نیست مگر این که می
خواهد خداوند متعال به او رخصت دهد تا به زیارت امام
حسین علیه السلام مشرف شود، چنین است که همواره
فوجی از فرشتگان به کربلا فرود آیند و فوجی دیگر
عروج کنند و از آنجا اوج گیرند.^{۶۵}
اگر هم از اهل بهشت باشد، از میهمانان اهل بهشت
خواهد بود

قال الصادق علیه السلام:

من لم یأت قبر الحسین علیه السلام و هو یزعم انه لنا
شیعة حتی یموت فلیس هو لنا شیعة، و ان کان من اهل
الجنة فهو من ضیفان اهل الجنة.

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به زیارت قبر
امام حسین نرود و خیال کند که شیعه ما است و با این
حال و خیال بمیرد، او شیعه ما نیست، و اگر هم از اهل

⁶⁵ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 244، به نقل از کامل الزیارات

بهشت باشد، از میهمانان اهل بهشت خواهد بود.^{۶۶}

جوایز الهی به امام حسین علیه السلام
قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

الا و ان الاجابة تحت قبته، و الشفاء فى تربته، و الأئمة

(عليهم السلام) من ولده

پیامبر اسلام صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: بدانید که

اجابت دعا، زیر گنبد حرم او امام حسین علیه السلام و

شفاء در تربت او، و امامان علیهم السلام از فرزندان

اوست.^{۶۷}

بزرگترین دارو

قال ابو عبد الله عليه السلام:

فى طين قبر الحسين (عليه السلام)، الشفاء من كل داء، و

^{۶۶} کامل الزیارات، ص 193، بحار الانوار، ج 98، ص 4.

^{۶۷} مستدرک الوسائل، ج 10، ص 335.

هو الدواء الاكبر .

امام صادق علیه السلام فرمود: شفای هر دردی در تربت
قبر حسین علیه السلام است و همان است که بزرگترین
داروست.^{۶۸}

امام زمان (ع) روزه می خواند

مقدس اردبیلی می فرماید: آمدم کربلا زیارت اربعین بود
از بسکه دیدم زائر آمده و شلوغ است ، گفتم : داخل
حرم نروم با این طلبه ها مزاحم زوار از راه دور آمده
نشویم .

گفتم : همین گوشه صحن می ایستم زیارت می خوانم ،
طلبه ها را دور خودم جمع کردم یک وقت گفتم : طلبه ها
این آقا طلبه ای که در راه برای ما روزه می خواند کجا
است ، گفتند: آقا در بین این جمعیت نمی دانیم کجا رفته
است .

در این اثناء دیدم یک عربی مردم را می شکافت و

⁶⁸ کامل الزیارات، ص 275 و وسائل الشیعه، ج 10، ص 410.

بطرف من آمد و صدا زد ملا احمد مقدس اردبیلی می خواهی چه کنی ؟ گفتم می خواهم زیارت اربعین بخوانم ، فرمود: بلندتر بخوان من هم گوش کنم .

زیارت را بلندتر خواندم یکی دو جا توجه ام را به نکاتی ادبی داد وقتی که زیارت تمام شد به طلبه ها، گفتم : این آقا طلبه پیدایش نشد؟ گفتند: آقا نمی دانیم کجا رفته است یک وقت این عرب بمن فرمود مقدس اردبیلی چه می خواهی ، گفتم : یکی از این طلبه ها در راه برای ما گاهی روضه می خواند، نمی دانم کجا رفته ، می خواستم اینجا بیاید و برای ما روضه بخواند.

آقای عرب بمن فرمود مقدس اردبیلی می خواهی من برایت روضه بخوانم ؟ گفتم : آری آیا به روضه خواندن واردی ؟ فرمود: آری که در این اثناء دیدم عرب رویش را به طرف ضریح اباعبدالله الحسین (ع) کرد و از همان طرز نگاه کردن ما را منقلب کرد یکوقت صدا زد یا اباعبدالله نه من و نه این مقدس اردبیلی و نه این طلبه ها هیچ کدام یادمان نمی رود از آن ساعتی که می خواستی از خواهرت زینب (علیهاالسلام) جدا شوی.

بعد غایب شد.

در این هنگام دیدم کسی نیست فهمیدم این عرب
مهدی زهرا(علیهاالسلام) بوده واقعا ساعت عجیبی بود.

۶۹

مشایعت زائر توسط ملائک مقرب

صفوان بن مهران جمال از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
، وی گفت ؛ حضرت امام_صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که امام_حسین علیه السلام را زیارت کرده و
قصدش خداوند عزوجل باشد جبرئیل و میکائیل و
اسرافیل او را مشایعت نموده تا به منزلش وارد گردد⁷⁰.

امام صادق علیه السلام:

میان قبر پاک امام حسین علیه السلام تا آسمان هفتم
محل رفت و آمد فرشتگان است⁷¹.

⁶⁹ ترجمه کامل الزیارات ص 416.

⁷⁰ کامل_الزیارات باب 57 ح 4 ص 475

امام صادق علیه السلام:

هر کس دوست دارد روز قیامت، بر سر سفره های نور
بنشیند باید از زائران امام حسین (سلام الله علیه) باشد⁷².

⁷¹ المحججه البيضاء جلد 4 صفحه 46

⁷² بحار الانوار جلد 101 صفحه 238